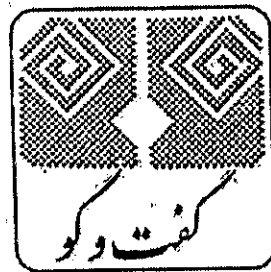


# تبلیغ جهانی اسلام ناب



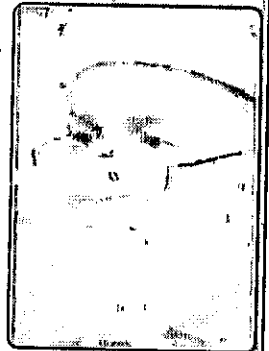
تهیه و تنظیم: مسعود اسلامی

در گفت و گو با: آیت الله محمد علی تسخیری



دیدار با آیت الله تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی خیلی سهل، سریع و بدون تشریفات اتفاق افتاد در حالی که مشغولیت های شغلی، مطالعاتی و تحقیقاتی و سفرهای مکرر ایشان به خارج از کشور، چشم انداز امیدوار کننده ای را در انجام سریع این دیدار نشان نمی داد. آیت الله تسخیری با آن که از سن و سال زیادی برخوردار نیستند ولی کسانی که چند سال پیش عارض شدند او را بیش از سن واقعی اش نشان می دهد، گرچه به لطف خدا و همت خود این کسالت را تقریباً به سلامت پشت سر گذاشته است.

صدای نرم و آرام، حافظه قوی، دانش گسترده، صبر و حوصله و طبع لطیف و مطایبه وی در خلال گفت و گو، کار را برای مانده آسان، بلکه شیرین می نمود. اشاره به مطالب تاریخی از حوادث عراق در سال های پیش از انقلاب اسلامی، تشریح وضعیت حوزه های علمی در نجف و وقایع سال های ستیاه حکومت بعثی ها و از همه مهمتر، ارائه شرحی از زندگی، آراء و آثار شهید آیت الله محمد باقر صدر در خلال مصاحبه سبب شد که سه بار در دفتر ایشان حضور یابیم دقتی که قفسه هایش پوشیده از مدال ها، لوح های تقدیر و نامه هایی است که پسران کشورهای اسلامی، رؤسای سازمان های بین المللی و علمای بزرگ کشورهای اسلامی در تقدیر و تمجید از تلاش های ایشان در طول سی سال خدمت در داخل و خارج از کشور داشته اند.



آیت الله محمدعلی تسخیری فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اکبر تسخیری در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در نجف اشرف به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در نجف گذراند و دروس حوزوی را تا مرحله درس خارج در محضر اساتید بزرگی نظیر آیات عظام شیخ محمدرضا مظفر، شهید سیدمحمد باقر صدر، آیت الله خویی، سیدمحمد حکیم، شیخ جواد تبریزی، شیخ کاظم تبریزی، صدرآبادکوبی و شیخ مجتبی لنگرانی سپری نمود و در کنار آن، دروس دانشگاهی را نیز در رشته ادبیات عرب و فقه و اصول در دانشکده فقه نجف فرا گرفت.

وی همزمان با تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف، به تدریس دروس رایج حوزوی نیز اشتغال داشت.

وی در آغاز جوانی با اشتیاق فراوان نسبت به شعر و ادبیات عرب، قصایدی به زبان عربی سرود و سخنرانی های ادبی متعددی در مناسبت های مختلف در محافل گوناگون شعر و ادب ایراد نمود.

آیت الله تسخیری در مبارزات سیاسی، همراه با شهید آیت الله محمدباقر صدر، حضوری فعال داشت و در این مسیر تا مرحله اعدام توسط رژیم صدام پیش رفت و سرانجام پس از تحمل شکنجه های عوامل یعنی، در سال ۱۳۵۰ از عراق اخراج و عازم قم شد.

وی مدت ۱۲ سال در قم در محضر اساتید بزرگی چون: آیت الله گلپایگانی، آیت الله وحید خراسانی و آیت الله میرزاهاشم آملی شرکت نمود و همزمان نیز به تدریس علوم حوزوی در حوزه های علمیه و پاره ای از مراکز علمی و دانشگاهی سراسر کشور پرداخت.

آیت الله محمدعلی تسخیری با پیروزی انقلاب اسلامی بر تبلیغ اسلام در داخل و خارج از کشور همت گذاشت و با قبول مسئولیت های در دستگاه های فرهنگی و دینی به ویژه در سطح بین المللی به بنیانگذاری مؤسسات دینی فرهنگی و تبلیغی کمک شایان توجهی نمود.

مسئولیت های آیت الله تسخیری از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون، چنین خلاصه می شود:

- ۱- مشاور مقام معظم رهبری در امور فرهنگی جهان اسلام
- ۲- عضو مجلس خبرگان رهبری به نمایندگی از استان گیلان (دوره سوم).
- ۳- معاون بین الملل دفتر مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۹.
- ۴- مشاور عالی امور بین الملل بعثه مقام رهبری در امور حج و معاون بین الملل آن.
- ۵- رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از زمان تأسیس ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰.
- ۶- مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور بین الملل.
- ۷- معاون بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰.
- ۸- عضو هیئت امتهای سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۹- مسوول کمیته نظارت بر برنامه های آموزشی طلاب خارجی، در داخل و خارج کشور.
- ۱۰- دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) به مدت ۹ سال و عضو شورای عالی آن.
- ۱۱- دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- ۱۲- عضو کمیته فقهی مجمع اهل بیت مستقر در حوزه علمیه قم.
- ۱۳- رئیس کمیته فرهنگی هشتمین کنفرانس سران اسلامی در تهران.

باقی گذاشت.

**کتابخانه:** از خصوصیات و تأثیرات

والده محترمه نیز بفرمائید؟

آیت الله تسخیری: همانطور که گفتیم والدۀ ام خانم سیده محترمه از خانواده روحانی امامی اصفهانی بود، پدرشان از سادات بود. و خلاصه به نوعی پدر و مادر هر دو در تکوین والدۀ خانواده اثرات مستقیم و چشمگیری داشتند و والدۀ ام نیز همانگونه که اشاره کردم، نوه آقا ضیاء عراقی مرجع و متفکر اصولی بزرگ در عراق بودند.

**کتابخانه:** تحصیلات شما چگونه آغاز

شد؟

آیت الله تسخیری: ما قبل از مرحله ابتدایی، تعلیماتی را نزد خانم صالحه ای فرا گرفتیم پس از آن، در محضر آقای علایی آموزش قرآن کریم را دنبال کردیم خواندن کل آن را ختم کردیم. بعداً به مراحل دبستان رسیدیم. آن زمان تعلیمات اسلامی ساده بود و کتابی در کار نبود.

آقای علایی معروف تعلیمات ما را به عهده داشت و مسائل ابتدایی را در مکتب خانه قرآن نزد ایشان به طور کامل آموختیم.

سپس مدرسه دینی که باز شد به آنجا رفتیم یادم نیست از کلاس چندم رفتم فقط یادم می آید که پس از پایان مدرسه فاصله ای افتاد بین مدرسه و دبیرستان، این فاصله را در مدارس حکومتی

## آیت الله تسخیری: مرحوم سید مهدی امامی "داماد آقا ضیاء عراقی" استاد پدرم بودند که دختر خود را به عقد وی در آورد. لذا اینجانب از حیث پدری مازندرانی و از طرف مادری اصفهانی هستم.

آیت الله تسخیری: مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آقا ضیاء عراقی و داماد آقا ضیاء عراقی مرحوم سید مهدی امامی که استاد مستقیم ایشان بوده و دختر خود را به عقد ابوی مادر آورد. در واقع مرحوم سید مهدی امامی از امامی های اصفهان اند و لذا، ما از حیث پدری مازندرانی و از حیث مادری اصفهانی هستیم.

**کتابخانه:** از خصوصیات مرحوم ابوی بفرمائید؟

آیت الله تسخیری: مرحوم ابوی اهل جهد و کوشش، علم روز و توجه به امر مهم تبلیغ بود. ایشان به ایران سفر می کرد و خانواده اش را در نجف تنها می گذاشت و در منطقه شمال ایران به تبلیغ امور دینی می پرداخت. و این سفرهای تبلیغی، اثرات مفید و سازنده ای در شمال بویژه در منطقه رامسر

**کتابخانه:** ضمن تشکر از فرصتی که به ما دادید اگر ممکن است گفت و گو را با ذکر تاریخچه ای از زندگی شما و شخصیت های تأثیرگذار در این مسیر آغاز کنیم.

آیت الله تسخیری: بسم الله الرحمن الرحیم ضمن تشکر از نشریه وزین کیهان فرهنگی، بنده در سال ۱۳۲۳ در نجف اشرف به دنیا آمدم. اجدادم همه کشاورز بودند. و افرادی متدین، صالح و خوب. آنها در شهر رامسر و اطراف آن زندگی می کردند. در میان خاندان ما، فقط ابوی ما مرحوم جناب آقای شیخ علی اکبر تسخیری در کسوت روحانی بودند. ایشان از رامسر درس هایش را شروع کرد زیرا منطقه ای که ما از آنجا هستیم تا همین امروز نیز به آخوند محله معروف است. پدرم بعد از مدتی درس خواندن در رامسر به حوزه علمیه قزوین رفت و بعد از آن به قم و سپس به نجف اشرف عزیمت کرد.

**کتابخانه:** از اساتید مرحوم پدرتان افرادی را به خاطر دارید؟

آیت الله تسخیری: تا جایی که می دانم استاد شاخص ایشان، مرحوم شیخ علی اکبر تنکابنی است. البته آقای الهیان یکی دیگر از اساتید ایشان پیش از عزیمت به قم بودند.

**کتابخانه:** اساتید ایشان در نجف اشرف چه کسانی بودند؟

- ۱۴- رئیس کمیته هماهنگی فعالیت‌های مشترک اسلامی در سازمان کنفرانس اسلامی (به مدت ۵ سال)
  - ۱۵- عضو افتخاری برخی مراکز علمی و دانشگاهی در کشورهای سوریه و سودان.
  - ۱۶- عضو هیئت امنای دانشگاه بین‌المللی (المصطفی) - قم.
  - ۱۷- عضو هیئت امنای سازمان دفاع از حقوق کودکان (کافل).
  - ۱۸- عضو کمیته عالی امور فرهنگی مؤسسه امیرکبیر از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵.
  - ۱۹- رئیس هیئت امنای دانشکده اصول دین (تهران) - پس از رحلت علامه عسکری.
  - ۲۰- رئیس هیئت امنای دانشگاه مذاهب اسلامی.
  - ۲۱- عضو مجمع فقه اسلامی جده از زمان تأسیس ۱۳۶۲ تاکنون و نماینده حوزه‌های علمیه ایران و نماینده رسمی مذهب شیعه اثنی عشری در آن.
  - ۲۲- استاد دانشگاه امام صادق (ع) در رشته فقه مقارن.
  - ۲۳- استاد دانشگاه تربیت مدرس در رشته اقتصاد اسلامی.
  - ۲۴- اشراف بر مجله‌های التوحید، رساله الثقلین و رساله التقریب به عربی و نشریه‌های دیگر.
  - ۲۵- عضو کمیته فقهی بانک جهانی توسعه اسلامی.
  - ۲۶- عضو هیأت امنای سازمان فرهنگی اکو (سابقاً).
  - ۲۷- عضو دائمی کمیته (بررسی چالش‌های قرن ۲۱) کارشناسان سازمان کنفرانس اسلامی.
  - ۲۸- عضو مجمع زبان عربی دمشق.
  - ۲۹- عضو مجلس شرعی هیأت حسابرسی مؤسسات مالی در بحرین.
  - ۳۰- عضو هیأت امناء مؤسسه اندیشه اسلامی «آل‌البیت» - اردن.
  - ۳۱- نایب رئیس اتحادیه جهانی علمای اسلام (قطر).
  - ۳۲- عضو کمیته شخصیت‌های برجسته سازمان کنفرانس اسلامی.
  - ۳۳- نایب رئیس شورای مشورتی سازمان آیسسکو.
  - ۳۴- عضو هیأت امناء مرکز آموزش عالی اهل بیت (ع).
  - ۳۵- عضو هیأت مرکزی رابطه علماء مسلمین (مکه مکرمه).
  - ۳۶- عضو شورای مرکزی روحانیت مبارز تهران.
  - ۳۷- عضو هیأت امناء مرکز تمدن‌ها و تنوع فرهنگی.
  - ۳۸- عضو هیأت امناء بنیاد بین‌المللی غدیر.
- در مجموع از آیت‌الله تسخیری چهل عنوان کتاب و نیز چهارصد مقاله به زبان فارسی و عربی در نشریات معتبر داخلی و خارج به چاپ رسیده است.

خودمان تشکیل دادیم که تقریرات درسی آقای صدر که به دست مامی رسید با هم مباحثه می‌کردیم. رسم ما این بود که یکی از طلبه‌ها درس را تقریر می‌کرد و بقیه مباحثه می‌کردند.

آیت‌الله سید کاظم حائری از شاگردان میرزا آقای صدر تقریرات ایشان را برای ما تقریر می‌کردند و نظرات خودش را ارائه می‌داد و با جمع شاگردان ایشان مباحثه می‌کردند.

**کشیان:** از آن حلقه شاگردان آقای صدر، چه کسانی را به خاطر دارید؟

آیت‌الله تسخیری: سید رضی حائری که داماد آیت‌الله مشکینی بود. شیخ مرتضی شریعتی که مرحوم شد و آقای سید عبدالهادی شاهرودی که اکنون امام جمعه علی‌آبادکوتول است، در قم بودند و گاهی اوقات هم آقای سید محی‌الدین اشکوری. به هر حال، مجموعه‌ای بودیم از شاگردان آقای صدر، من بقیه را یادم نیست.

**کشیان:** برگردیم به عراق، بفرمایید اوضاع عراق قبل عزیمت شما به ایران چگونه بود و چه فعالیت‌هایی را به خاطر دارید؟

آیت‌الله تسخیری: در عراق ما به تشویق آقای صدر داخل فعالیت‌های حزب الدعوة شدیم و حوزه‌های گوناگون حزبی را اداره می‌کردیم و هم تعلیمات حزبی را یاد می‌گرفتیم. بدین ترتیب فعالیت‌های ما

## ما شاگردان آیت‌الله صدر پس از عزیمت به ایران، حلقه‌ای بین

خودمان تشکیل دادیم که تقریرات درسی آقای صدر را که به دستمان می‌رسید با هم مباحثه می‌کردیم؛ رسم ما این بود که هر روز یکی از ما درس را تقریر می‌کرد.

خاتم یزدی و آیت‌الله سید محمد رجبی که فعلاً در قم هستند فرا گرفتیم. همچنین بخشی از دروس فقهی را هم نزد مرحوم شیخ کاظم تبریزی که مدرس سطوح بود خواندیم، دروس رسائل را پیش مرحوم شیخ مجتبی لنگرانی. و بخشی هم نزد اساتید مختلف گذراندیم.

ولی در اواخر دانشگاه به سمت درس‌های خارج مرحوم آقای خوئی و مرحوم آقای صدر رفتیم و بعد از دانشکده هم این درس‌ها را ادامه دادیم. از درس آقای صدر بخشی از اصول مانده بود که ما از عراق رانده شدیم و به ایران آمدیم.

**کشیان:** ارتباط شما با آقای صدر پس از عزیمت به ایران چگونه بود؟

آیت‌الله تسخیری: ما مجموعه‌ای از شاگردان مرحوم آقای صدر بودیم که یک حلقه‌ای بین

(دولتی) آن هم شبانه گذراندیم و وارد دبیرستان شدیم و دیپلم را آنجا گرفتیم بعد هم وارد دانشکده فقه شدیم.

مقدمات و سطوح اولیه را خودم خواندم. بیشتر همان مقدمات اولیه بود.

**کشیان:** آنجا هم اول، جامع المقدمات را می‌خواندید؟

آیت‌الله تسخیری: آنجا جامع المقدمات را نمی‌خواندند متعارف نبود ولی بیشتر روی الفیه ابن مالک و روی منطق مظفر بحث متمرکز بود. البته منطق را در خود دانشکده درس می‌دادند. همانطور که گفتم دروس حوزوی را قبل از دانشکده شروع کرده بودم تا مرحله‌ای که وارد دانشکده شدیم بالاخره توانستم سطوح بالاتری را بخوانم، خود دانشکده درس‌های فقه داشت، و لعمره را در کلاس دوم درس می‌دادند. یاد می‌آید که شیخ حسین حلی یکی از علمای بزرگ و معروف آنجا درس می‌داد.

**کشیان:** پس بخشی از درس‌های فقهی را در دانشکده و برخی را بیرون دانشکده دنبال می‌کردید؟

آیت‌الله تسخیری: بله. ولی به طور منظم درس‌های لعمه و مکاسب را بیرون دانشکده ادامه می‌دادیم و حتی در سال‌های آخر دانشکده اساتیدی مثل سید محمد تقی حکیم - صاحب اصول فقه مقارن - به ما درس خارج می‌داد کفایه را نزد مرحوم



گسترش یافت و حوزه های دبیران مدارس به من سپرده شد و این فعالیت ها علیه بعضی ها در نظامی که صدام بر آن مشرف بود، خیلی خطرناک بود.

درواقع در حوزه های حزبی بغداد و بصره و عماره و دیوانیه، اعضاء بیشتر شیعه بودند و برخی از افراد ارتباطاتی با اخوان المسلمین یا با حزب التحریر داشتند. البته، تعلیمات شیعی بود و مرجعیت بر آن اشراف داشت.

**کشیان:** سازماندهی و تشکیلات شبکه های حزبی چگونه بود؟

آیت الله تسخیری: تشکیلات سری بود و زیر نظر مرحوم آقای صدر، علامه عسگری، مرحوم سید مهدی حکیم، البته، اینها علنی نبودند ولی مابه اطمینان آنها، همکاری می کردیم.

تشکیلات حزب هر می بود، و روی حوزه ها اشراف داشتند. ارتباطات مردمی در کل عراق برقرار بود و البته، فعالیت های مردمی هم داشت. مثلاً مرحوم آقای حکیم برای آگاهی دادن به توده های مردم و کتابخانه هایی را در سطح در شهرهای مختلف ایجاد کرد و حزب در اداره آنها همکاری می کرد. از دیگر فعالیت های حزب، برگزاری مراسم جشن های اعیاد مذهبی و ایجاد حرکت های آگاهی بخش در دستجات عزاداری بود.

همچنین حزب در مدارس و دانشگاهها فعال بود. مثلاً حرکت حزب در بسیج دسته های عزاداری دانشجویان و عزیمت آنها از کربلا به بغداد اثرات عظیمی داشت. آن نظم شاخص و سرودهای آگاهانه دانشجویان در این مسیر حقیقتاً اثرگذار شد. فعالیت کتابخانه های آقای حکیم نیز خیلی اثر گذاشت.

**کشیان:** آرمان حزب در نهایت چه بود؟

آیت الله تسخیری: آرمان نهایی حزب برپایی حکومت اسلامی بود. آقای صدر عاشق حکومت اسلامی بود، حزب برای ساختن جامعه و حکومت اسلامی بود روی پرورش و جهت دهی فکری افرادش زیاد کار می کرد، البته مراحل باید طی می شد. مرحله اول، ساختن فکر و مرحله دوم، سیاسی و سوم، مبارزه و چهارم، برپایی حکومت اسلامی بود. البته آن موقع انتقاد می شد که این مرحله فکری طولانی شد. یعنی انتقال به مرحله سیاسی دیر شد ولی وقتی وارد این مرحله شدیم، دیدیم نتایج مطلوب حاصل شد.

**کشیان:** حضرت عالی بعد از آموزش های حزبی، چه وقت وارد فعالیت های سیاسی و مبارزاتی شدید؟

آیت الله تسخیری: ما بر اساس ارشادات مرحوم آقای صدر با حزب الدعوه همکاری می کردیم و خیلی از کادرهای حزب را آموزش دادیم. یک

## کاروئی که امام (ره) حکومت اسلامی را برپا کرد. شهید صدر از خود بی خود نشد. این چیزی است که همه

نشانده بودیم؛ به شاگردانش نامه نوشت که شما در وجود امام ذوب

شوید، همان طور که امام در اسلام ذوب شده است. آن زمان شهید

صدر خودش مرجع بود، برای امام نامه نوشت که من مرجعیتم و همه امکاناتم در خدمت شماست.

موهبتی هم که خداوند به من عطا کرده بود عشق به ادبیات و شعر عربی بود. و این موضوع مؤثر بود زیرا در کنفرانس ها و مراسم هایی که به مناسبت هایی از جمله ماه محرم برگزار می شد از این اشعار استفاده می کردم، از جمله با مرثی و اشعار علیه بعضی ها در میان دسته های عزاداری، قیامی در نجف برپا شد. در واقع ما می خواستیم نجف، قم ایران شود، بعضی ها ضمن عکس العمل تیراندازی کردند به سوی ضریح حضرت امیر (ع) و مردم را تحریک کردند و این قیام منجر به خروج بعضی ها از نجف و رانده شدن آنها از این شهر شد. بعد بعضی ها با روش های پلیسی فهمیدند که این شعرها را چه کسی گفته است پس از دستگیری ام، بدترین و شدیدترین شکنجه ها را چه در نجف، چه در بغداد و سپس در بازداشتگاه کاخ النهایه اعمال کردند و قبل از ماهم سید حسن شیرازی زندان بود. خیلی دوران سختی بود. چندتا از وزرای دولت قبل از بعضی ها هم در زندان بودند مثل نخست وزیر طاهر یحیی و کابینه اش شکنجه هایی شده بودند، که قابل شرح نیست.

**کشیان:** اگر ممکن است از قیام نجف و نحوه دستگیری و شکنجه های بعضی ها توضیحاتی ارائه بفرمایید؟

آیت الله تسخیری: همانطور که توضیح دادم ما بهترین راه روشنگری و مقابله با فشارهای رژیم بعضی را در راه اندازی دسته های عزاداری و خواندن اشعار انقلابی می دانستیم. اجرای زیبای این اشعار و استقبال از جانب مردم باعث یورش پلیس یعنی به

دسته های عزاداری در هفتم و هشتم محرم شد و پس از دستگیری افرادی در دسته های سینه زنی، من لو رفتم و روز دوازده محرم پلیس عراق با محاصره منطقه بنده را دستگیر کردند.

بعد هم به بغداد منتقل شدم و در راه تا مقصد شکنجه می شدم. در آنجا، مرادریک زندان انفرادی محبوس کردند و در همانجا هم مرتب مرا شکنجه می کردند.

**کشیان:** آیا شکنجه های عراق شباهتی به شکنجه های ساواک در ایران داشت؟

آیت الله تسخیری: ما را در یک صندلی آهنی قرار می دادند دست ها و پاها را می بستند، حتی گردن را می بستند و سر را برهنه می کردند و آب جوش روی سرم می ریختند به طوری که پوست سر و صورت متورم می شد.

یا مثلاً دست ها را طناب پیچ و از پشت می بستند و از بالا از روی قرقره ای رد می کردند این حالت را دو یا سه روز طول می دادند یا با مشت و لگد به عنوان این که می خواهند بازجویی کنند ما را کتک می زدند. در حین بازجویی یک نفر می آمد و گوش انسان را گاز می گرفت و نوار ضبط شده شکنجه دیگران را پخش می کردند. در طول ۲۴ ساعت سر و صدای شکنجه شدگان را برای ما پخش می کردند. گاهی ده یازده نفر را در اطراف یک متر در یک متر و نیم زندانی می کردند که حتی جای خواب نداشتند تا اعصابشان را له کنند.

**کشیان:** آن زمان در عراق چه کسی حکومت می کرد؟ مسؤول امنیت حکومت و شکنجه ها چه کسی بود؟

آیت الله تسخیری: آن وقت، رئیس حکومت حسن البکر بود، صدام معاون او بود و تمام این شکنجه ها زیر نظر شخص او انجام می شد.

**کشیان:** چه مجازاتی را برای شما در نظر گرفتند و چگونه نجات یافتید؟

آیت الله تسخیری: حکم من اعدام بود ولی پس از فشار مراجع به خصوص حضرت امام (ره) ما را آزاد و روانه ایران کردند.

**کشیان:** دخالت امام (ره) در ماجرای آزادی حضرت عالی چگونه بود؟

آیت الله تسخیری: به طوری که بعداً شنیدم، مرحوم پدرم می روند خدمت حضرت امام (ره) و از او درخواست دخالت می کنند حضرت امام (ره) می فرمایند فردا استاندار کربلا به خانه ما می آید. شما فردا بیا و در حضور استاندار درخواست آزادی پسرت را مطرح کن. مرحوم پدرم همین کار را می کند. حضرت امام (ره) با عتاب به استاندار کربلا می گویند این شیخ را آزاد کنید! استاندار کربلا می گوید چشم، همین امر سبب می شود که مرا آزاد بکنند. و به ایران بفرستند.

**کشیان:** می توانید قدری درباره

فضای زمان و روش و روحیات مرحوم شیخ  
محمدرضا مظفر توضیح بفرمایید.

آیت الله تسخیری: مرحوم شیخ محمدرضا مظفر  
فردی مصلح و متجدد بود، فضای حوزه نجف را  
خوب نظاره می کرد و گرایش های حکومت وابسته  
به انگلیس را که تاسیس شده بود بررسی می کرد که  
چگونه حکومت سعی بر سوق دادن جوانان به سمت  
ایده های غربی در قالب برنامه های آموزشی داشت.  
لذا، آقای مظفر تلاش می کرد در موسسه آموزشی  
خود، تمام هم خود را بر تربیت دانشجویان فقه  
متمركز نماید و گاه خود شخصا تدریس را به عهده  
می گرفت، کلاس دایر می کرد و به کلاس ها سر  
می زد و بسیار متواضع بود. حتی دانشجویان  
نمی توانستند در سلام بر وی سبقت بگیرند.

کتابخانه: آنگونه که ما شنیدیم مرحوم  
مظفر از شاگردان مرحوم کمپانی بودند و به  
اشاره ایشان تاسیس مدرسه جدید و  
نوآوری هایی را در نجف به انجام رسانند؟

آیت الله تسخیری: مرحوم آیت الله مظفر و علامه  
طباطبایی و قاضی از شاگردان مرحوم آقا شیخ  
محمدحسین اصفهانی بودند. می دانید که مرحوم  
اصفهانی هم اصولی و هم فیلسوف بزرگ و نیز  
عارف مسلک بود. یک ویژگی  
برجسته ای که مرحوم اصفهانی داشت  
این بود که هم استاد، هم مربی و هم مراد  
بود. بعضی از اساتید آن روزها معروف  
بودند که بعد عرفانی را نداشتند. با  
شاگردان فقط رابطه علمی داشتند.  
معروف بود که آقاضیاء عراقی اینطور  
بوده، و آن رابطه عاطفی را با شاگردانش  
نداشت. ولی مرحوم کمپانی  
تربیت کننده حس وجدانی و تعالی  
روحی در شاگرد بود. شاگردانش را هم  
در همین مسیر تربیت کرد. مرحوم مظفر  
مرحوم علامه طباطبایی، مرحوم قاضی  
از شاگردان مرحوم کمپانی بودند ولی  
تفاوت در زمان هایشان بود.

کتابخانه: پس قوت اصولی بودن ایشان  
از مرحوم کمپانی بود.

آیت الله تسخیری: بله، مرحوم آقای کمپانی در  
این موضوع، حتی در اصول و فقه کمی بیشتر از  
سایرین به عمق رفته و در این زمینه معروف است.  
کتابخانه: الان معروف ترین کتاب  
اصول جدید که در حوزه وارد شده و جا  
افتاده، کتاب ایشان است.

آیت الله تسخیری: بله، مرحوم آقای مظفر این  
کتاب را به زبان عربی جدید نوشته است، بخصوص  
در زمان خودش. و در این کتاب تعبیر خوبی از علم  
اصول شده است و اتفاقاً این کتاب را برای دانشکده  
فقه نوشته که خودش آن را تاسیس کرده بود.

بنابراین برای اولین بار یک دانشکده در نجف به  
وجود آمد که اصول و فقه و قانون را درس می داد و  
اساتید خیلی خوبی را انتخاب می کرد و در دوره  
اولش، خیلی از علماء به مراحل بعدی رسیدند، هم  
عالم بودند و هم دکتری گرفتند. مرحوم سیدمحمد  
حکیم، مرحوم شمشاد، مرحوم ایروانی، مرحوم  
مظفر نیز تدریس می کردند و عمده فارغ التحصیلان  
از افراد معروف بودند. همینطور دکتر شیخ احمد  
واحدی که از بزرگترین خطبای علی الاطلاق عراق  
و خطیب بزرگ جهان عرب و اسلام بود. آقای  
سیدمصطفی جمال الدین شاعر بزرگ جهان عرب  
و استاد درس های اصولی عروضی و غیره اینها و  
سید محمد بحر العلوم، محصل دوره های اول  
بودند. اینها آنجا درس خواندند و بعداً وقتی صدام  
احساس کرد که این دانشکده خیلی رشد کرده،  
عناصر یعنی خود را آنجا مسلط کرد و همه چیز را  
نابود کرد.

کتابخانه: شما هم از فارغ التحصیلان  
این دانشکده بودید.

آیت الله تسخیری: بله من هم از این دانشکده سال  
۱۹۷۱ مقارن ۱۳۵۰ هجری شمسی  
فارغ التحصیل شدم.

کتابخانه: آیا شما هم از این

دانشکده مدرک گرفته اید؟

آیت الله تسخیری: البته مدرک را از  
دانشکده گرفتیم، اما بعد از اخراج با خود  
به ایران نیاوردیم.

کتابخانه: آن زمان که لیسانس

گرفتید از نظر خوزوی در چه

مرحله ای بودید؟

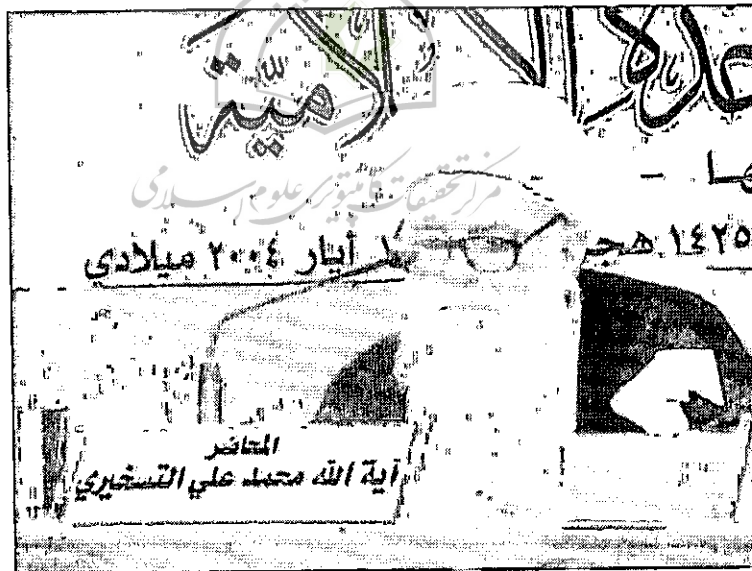
آیت الله تسخیری: آن زمان که مدرک  
دانشکده را گرفتم درس خارج  
می خواندم. مرحوم سیدمحمد تقی  
حکیم استاد خارج فقه بود. همچنین نزد  
مرحوم آیت الله صدر درس می خواندم و  
مراحل خوزوی را در کنار دانشکده طی  
می کردم.

کتابخانه: از چه سالی درس حوزه را

شروع کردید؟

آیت الله تسخیری: از سال ۱۹۶۳ یا ۱۳۴۲ درس  
حوزه را شروع کردیم مقدمات را قبل از دانشکده  
در حوزه خواندم. در اواخر سال های ۶۰ میلادی  
که رسیدیم، مدتی درس خارج مرحوم آقای صدر  
می رفتیم، اساتید دیگری نیز داشتیم مثلاً رسائل را نزد  
مرحوم شیخ مجتبی لنگرانی می رفتیم. استاد کفایه ام  
مرحوم تبریزی بود. این آقایان بعدها خود را مراجع  
شدند. دروس سطح را در دانشکده می خواندم و  
اواخر دانشگاه هم، درس خارج مرحوم خوبی رفتیم.  
ولی بیشتر درس خارج و اصول فقه را نزد مرحوم  
آیت الله شهید صدر خواندم.

□ مرحوم شیخ محمد رضا مظفر  
فردی مصلح و متجدد بود، فضای  
حوزه نجف را خوب نظاره می کرد و  
گرایش های حکومت وابسته به  
انگلیس را که تاسیس شده بود  
بررسی می کرد. ایشان برای اولین  
بار یک دانشکده در نجف به وجود  
آورد که اصول و فقه و قانون را  
درس می داد.



در واقع ایشان رئیس مجموعه ای از علمای متجدد  
نجف بودند. یعنی مرحوم آقای مظفر و مرحوم  
سیدمحمد تقی حکیم، صاحب اصول الفقه که کتاب  
بسیار زیبایی نوشته و مرحوم شیخ محمد کاظم  
شمشاد که هندی بود. آیت الله شیخ محمد تقی  
ایروانی از فضلاء بزرگ نجف و آقای سیدهادی  
فیاض از علمای معروف و عده ای از شخصیت های  
عرب، ایرانی و هندی آمدند. اینها گروه پیشرفته  
علماء بودند که مجموعه المتدبیین النشرا به صورت  
یک موسسه انتشاراتی و فرهنگی ایجاد کردند. یعنی  
برای پرهیز از حساسیت، یک اسم متجددی  
انتخاب کردند و خوب هم جا افتاد و این موسسه ای  
فرهنگی بود که افراد را از ابتدا آموزش می داد و  
تربیت می کرد تا رسیدن به مرحله کلیت الفقه.

درواقع به صراحت می گویم شخصیت و آثار و پیشش شهید صدر بر زندگی فردی، علمی و تعاملات اجتماعی و شخصیت اثر داشتند.  
**کتابخانه:** شما شرح حالی از ایشان نوشتید؟

آیت الله تسخیری: مقالاتی در رابطه با آقای صدر نوشتم ولی شرح حال جدا و کتاب نه، مقالاتی به زبان های عربی و فارسی نوشته شده و در چند کتاب و مجله از جمله مجله التوحید چاپ شده است.  
**کتابخانه:** برداشت شما از ویژگی های آقای صدر چیست؟

آیت الله تسخیری: مرحوم آیت الله صدر نابغه ای است که زمان کمتر به خود دیده و به ما نشان داده است. مرحوم آقای صدر اولاً تحلیل عمیق علمی داشتند و تئورسین بود و در هر موضوعی که وارد می شد و هر مساله ای که می خواست مطرح کند، از جمله مسائل اقتصادی، اجتماعی و مرجعیت، یک تئوری برای آن طرح می کرد فرض کنید یک مساله فقهی جزئی را می آورد و ابعاد آن را می شکافت تا جایی که تئوری و اصل این موضوع جزئی را به دست می آورد. مرحوم آقای صدر در اقتصاد نو، نظریه پرداز و صاحب نظر بود، در تاریخ و فلسفه هم همینطور بود.

**کتابخانه:** اگر ممکن است اشاره ای هم به شیوه بررسی و چگونگی حل مسایل از دیدگاه آیت الله صدر بفرمایید.

آیت الله تسخیری: اگر یک مسئله فقهی خیلی فرعی پیش می آمد، مثل تنجیس متنجس، همین را تبدیل می کرد به ارتکازی بالاتر از آن و تئوری حاکم بر مسایل فرعی را به دست می آورد. یا وقتی مرحوم صدر می خواهد در اقتصاد با ماتریالیست ها درگیر شود، با استدلال بنیان های فکری آنها را تخریب کند، به طور کامل ابعاد ماتریالیسم را بررسی می کرد و می گفت که این بعدش، این نقص را دارد.

سپس درگیری این تئوری با یک تئوری دیگر را مطرح می کند. و عمومیت تئوری تاریخ را زیر سؤال می برد و می گوید اگر این تئوری عمومی است، چرا اینجا لنگ می زند؟

ماتریالیسم تاریخی مدعی است که محصول ماتریالیسم فلسفی است ایشان اقتضائات فلسفی را مطرح می کند و مراحل ماتریالیسم تاریخی را یک یک بررسی می کند، مثلاً مراحل برده داری، ... و سرمایه داری را دقیقاً بررسی و ثابت می کند که هیچ رابطه منطقی بین این مراحل نیست.

و بعد تجربه های امروز را نشان می دهد که به هیچ وجه مطابق با مراحل تئوری مارکسیستی نیست، کل اینها را مرحله به مرحله تحقیق می کند، قوانین را بررسی می کند و می گوید: وقتی شما به مرحله کمونیستی می رسید، ادعا می کنید که دیگر طبقاتی در بین نیست. پس درگیری طبقاتی هم نیست، عامل

دهد که این تئوری را پیاده کند.

**کتابخانه:** آنگونه که شما فرمودید، ایشان از نظرات گوناگون فقهای اسلام یک تئوری به دست آورده حال «حجیت» این تئوری چگونه ثابت می شود؟

آیت الله تسخیری: مرحوم صدر می گوید من احکام اولیه را که کشف نکردم، من یک تئوری را که منسوب به اسلام است تدوین کردم، این مربوط به دولت اسلامی است که می خواهد این تئوری را اجرایی کند و حجیت آن، همان حجیت دولت اسلامی است.

در واقع وقتی دولت متقاعد شد که این تئوری را اجرایی کند، این تئوری با تایید دولت اسلامی حجیت پیدا می کند. این برای افراد نیست برای جامعه است.

همه این سیر را من اشاره کردم تا نشان دهم که شهید آیت الله صدر یک تئورسین است. اگر در اقتصاد وارد شود تئورسین اقتصاد و اگر در تاریخ وارد شود، تئورسین تاریخ است.

به تئوری «خط خلافت و خط شهادت» در مسیر تاریخ نگاه کنید، ایشان معتقد است خط خلافت خط همه بشریت است. از آغاز روز خلقت آدم، بشریت باید خلافت الهی را احیا کند و خط شهادت خط انبیاست. اینها گواهی مسیر تاریخ هستند، مرحله اول انبیاء مرحله دوم اوصیاء و مرحله سوم علما، قرار دارند و لذا ایشان اینجا ولایت فقیه را به طور طبیعی امتداد خط شهادت و سپس حاکمیت انبیاء و بعد از آن اوصیاء و علماء و امانت هایی که به آنها دادیم می داند و آنها شاهدند بر اجرای احکام الهی در مسیر بشریت.

**کتابخانه:** منظور از شهدا چه کسانی است؟

آیت الله تسخیری: شهدا اینجا به معنای الگو، گواه و حاکم، همه این معانی است. برای حاکم مساله نظارت و حکومت و اشراف بر مسیر اجراء مطرح است. یعنی اینجا منظور از شهدا، فقط مساله کشته شدن در راه خدا که به ذهن می رسد نیست. مساله الگو بودن است. همین الگو، خودش شاهد بر اجرائیات است. که اگر الگو باشد تطبیق می کند، آن الگو منسجم است.

و در آیه شریفه داریم که ما شما را امت وسط قرار دادیم وسط یعنی الگو، قله مثل یک کوه که وسطش قله است، امت الگو هستید، یعنی امتی متعادل. یا در آیه دیگری می فرماید: برای مسیز کل مردم، شاهد و الگو باشید، و در جای دیگری می فرماید: خود پیامبر، الگوی شماست و شما الگوی کل مسیز تمدن بشری هستید.

**کتابخانه:** از اینجا می توان فهمید که حرکت مثبت تاریخ ناشی از انبیاء است که به وسیله مومنین اجرا می شود و در واقع

## □ من بهترین نسخه را نسخه ای که

### مقام معظم رهبری برای حوزه

### پیچیده می دانم. من دیدم ایشان

### ابعاد گوناگون تحول در حوزه ها را

### بیان کرده اند و یک گروهی از فضلا

### در صدد بر آمدن با تشکیلاتی

### این نسخه آثار اعملی کنند.

محرکه تاریخ هم به قول شما نیست. پس باید بگویید تاریخ اینجا متوقف شده، یا قوانین اینجا مرده است آیا جامعه متوقف یا متحول می شود؟

اگر متوقف می شود پس مرده است و اگر متحول می شود با چه قوانینی؟ چرا که شما عامل تحول را تضاد طبقاتی می دانید. خلاصه کل اینها بررسی های عالمانه است که اصولی را برای خود دارد و آن را اصولی بررسی می کند.

شهید صدر بعد از این که سوسیالیسم و نظام سرمایه داری را بررسی می کند، سپس به بررسی مسایل اسلامی می پردازد و با دیدی جامع، به آراء نظرات کل فقها پرداخته و می گوید: اسلام مکتبی الهی است و براساس این مکتب، قوانین و احکامی ساخته شده که در مقابل ما قرار دارد. ما نمی دانیم زیربنای این احکام و قانون اسلامی چیست، در واقع وی از بالا، طبقات پایین را کشف می کند. ما می دانیم علم الهی پایه این بنا است و براساس این علم، صلاح انسان دیده شده است و براساس صلاح انسان، یک مکتب و تئوری تنظیم شده، یعنی پایندها و بنایندها کلاد آن مکتب آمده و براساس این نظریه یک بنای قانونی تنظیم شده است. خلاصه ساختار اقتصادی، حقوقی جامعه و همه ساختارها نتیجه اش احکام است، اما مرحوم صدر چگونه آن زیربنای اقتصادی را به دست می آورد؟ ایشان تلاش می کنند از احکام، مفاهیم و از گرایش های اسلامی، تئوری اقتصادی اسلام را به شکل یک پایه عظیم به دست آورد. سپس آن را به دست یک دولت اسلامی



اینها، همه از خدا گرفته می شود.

آیت الله تسخیری: کل بشریت وظیفه خلافت الهی را در زمین به عهده دارند. انبیاء، هم الگو هستند، هم ناظر مسیر بشریت تا انتها. بنابراین، امامت در این نظریه جای می گیرد و لایت فقیه هم در این مسیر است. نبوت هم در این مسیر جای می گیرد. مرحوم صدر الگویی به نام المرجعیه الرشیده مرجعیت آگاه را به عنوان یک الگو مطرح کرده است. می خواهم بگویم هر جایی که ایشان با موضوعی برخورد کرده به عنوان یک تئورسین برخورد کرده حتی در فقه و اصولش معروف است.

به نظر بنده در علم اصول، آیت الله صدر هم تئورسین بود و هم مجدد. ایشان بعد اجتماعی را در احکام اسلامی در نظر می گرفت و نظرش این بود که دین متعلق به کل بشریت است. مختص یک مجموعه کوچک نیست. آیت الله صدر روی مسئله دید اجتماعی و مقاصد شرعی خیلی تاکید می کند. من معتقدم شهید صدر تا به حال عظمتش کشف نشده، ایشان در بعد اجتماعی از مؤمنین خالص به حکومت اسلامی است و عاشق حکومت اسلامی بود. ایشان کتاب های «اقتصاد ما» و «فلسفه ما» را برای تشکیل حکومت اسلامی نوشتند. دنبال نوشتن کتاب «اجتماع ما» بودند که بعضی ها نگذاشتند. اجتماع ما هم تئوری یک حکومت اسلامی بود.

**کتابخانه:** رابطه مرحوم آیت الله صدر با امام خمینی (ره) پس از انقلاب چگونه بود؟

روزی که امام (ره) حکومت اسلامی را برپا کرد، ایشان از خود بی خود شد. این چیزی است که همه شاهد بودیم. اولاً نامه نوشت به شاگردانش که شما در وجود امام ذوب شوید، حل شوید، همان طور که امام در اسلام ذوب شده است. آن زمان شهید صدر خودش مرجع بود. مرجعیت عراق را داشت و برای امام (ره) نامه نوشت که من مرجعیتم و همه امکاناتم در خدمت شماست. برای نوشتن قانون اساسی هم قبل از این که قانون اساسی تدوین شود، هفت جزوه برای راهنمایی و این که چه گرایش باید لحاظ شود، نوشت و به ایران فرستاد.

شهید صدر عشق و علاقه خاصی به ایران داشت برای من نقل شد که این سرودای ایران که خوانده می شد، ایشان از خود بی خود می شد و عاشق این سرود بود.

**کتابخانه:** رابطه مرحوم آیت الله صدر با شاگردانش چگونه بود؟

آیت الله تسخیری: ارتباط مرحوم آقای صدر با شاگردانش، شبیه رابطه مرحوم کمپانی با شاگردانش بود. یعنی ایشان فقط معلم و مربی نبود. بلکه برای شاگردانش، مراد و مربی وجدانی و عرفانی بود. از فرصت ها حداکثر استفاده را

شاید خداوند به شماره راه حل را نشان دهد. یعنی حتی از این فرصت بین خانه و مسجد هم استفاده می کرد. ایشان مربی به تمام معنا عاشق و زاهد بود تا آخر عمرش هم خانه ملکی نداشت و در خانه ای اجاره ای زندگی می کرد. یادم هست زمانی که ظلم بعضی ها اوج گرفته بود ایشان به شاگردانش می گفت: من احساس می کنم که این ظلم یک راه حل دارد، آن هم این است که خون پاک ریخته شود تا مردم مسلمان را تحریک کند و من از خدا می خواهم آن خون باشم. حتی می گفت: اجازه بدهید من بروم در صحن حضرت امیر سخنرانی داغی داشته باشم و آنها بیایند و چنایتی مرتکب شوند و این عمل علیه نظام بعضی تحرکی ایجاد کند و می دانید که فتوای ایشان در مورد حزب بعث این بود که گرایش به حزب بعث کفر و عناد است. این فتوا سبب شهادتشان شد. حتی خیلی ها اصرار کردند که ایشان از این فتوا بر گردد و نپذیرفتند. آخرش هم صدام ایشان را به شهادت رساند.

**کتابخانه:** به نظر می رسد آیت الله صدر بیشترین تاثیر را در بین اساتیدتان بر شما داشتند، که هر وقت از این شخصیت سخن می گوئید به وجد می آید.

آیت الله تسخیری: من هر سطر که می نویسم شهید آیت الله صدر جلوی من است هر بحثی وارد می شوم، فکر آقای صدر راهنمای من است. من تا به حال ۳۰ یا ۴۰ جلد کتاب نوشته ام و چهار صد و اندی مقاله، احساس می کنم همه اینها از تفضل الهی است که به دست مرحوم آقای صدر برایم حاصل شده است.

**کتابخانه:** جناب عالی نزد آیت الله صدر و آیت الله مطهری تحصیل کرده اید. درباره دیدگاهها و نظریات این دو بزرگوار چه مشابهت هایی می بینید؟

آیت الله تسخیری: من معتقدم تقارب و نزدیکی فراوانی بین نظریات این دو استاد بزرگ وجود دارد. در زمینه هایی که شهید مطهری وارد شد شهید صدر هم وارد شده بود، با این که شاید همدیگر را ندیده بودند. در مسایل جامعه شناسی، در تجدد، در مسایل اعتقادی، در تصور کلی جامعه. این دو بزرگوار آنقدر هم به نزدیک هستند که انسان فکر می کند در این مسایل هم مباحثه بودند! مشکلاتی را که هر دو بررسی کردند خیلی به هم نزدیکند، اتفاقاً من در یک مقاله ای مقایسه ای بین آقای صدر و آقای مطهری داشتم. به هر حال من نزد این دو بزرگوار تلمذ کردم و در هر دو اثر عظیمی بر من گذاشتند.

**کتابخانه:** اشتراک دیگر آن دو بزرگوار، ایمان به این نکته بود که راه حل مسایل جامعه را باید در اسلام جست و جو کرد. مقتضیات زمان را هم هر دو در نظر می گرفتند و سعی

□ من هر سطر که می نویسم  
شهید آیت الله صدر جلوی من  
است هر بحثی وارد می شوم، فکر  
آقای صدر راهنمای من است. من تا  
به حال ۳۰ یا ۴۰ جلد کتاب  
نوشته ام و چهار صد و اندی مقاله،  
احساس می کنم همه اینها از تفضل  
الهی است که به دست مرحوم آقای  
صدر برایم حاصل شده است.



می کرد. حتی یکی از برادران می گفت: ایشان روزی موقع عبور از یک محله، به طرف مسجدی که می رفتیم در آن جا درس می خواندیم، دید: در راه من به مغازه ها نگاه می کنم، شهید صدر به من گفت فلانی چرا نگاهت را هدر می دهی؟ فرصت خوبی داری از منزل به مسجد یک مشکل را در ذهنت مطرح کن و دنبال راه حل باش مشکلات فقهی، اصولی و اجتماعی را مطرح کن و دنبال راه حل باش،

داشتند با تواضع نیاز زمان را پاسخ بدهند. البته این کار فداکاری می‌خواهد چون عالم برای پاسخ دادن به نیاز زمان باید از جبروت علمی خود پایین بیاید. هر دو بزرگوار هم در مبارزات فکری جامعه خودشان از فعال‌ترین بودند.

آیت‌الله تسخیری: یک بار من از رئیس بانک کشورهای اسلامی پرسیدم: چاپ کتاب «اقتصاد ما» چه تأثیری در جهان اسلام داشت گفت: کتاب اقتصاد، انقلاب عظیمی در ذهن انقلابیون عرب به وجود آورد و ما با خواندن این کتاب دیدمان نسبت به اقتصاد عوض شد و سازنده یک طریقه فکری اقتصاد اسلامی شدیم که قبل از آن مطرح نبود. می‌دانید که قبل از نوشته آقای صدر در رابطه با بانک بدون ربا، بانک اسلامی در جهان اسلام نبود. تنها در سال ۱۹۶۳ میلادی یک تجربه کوچکی از این موضوع در یک دهی توسط استادی اجرا شد و بعد هم آن شخص فوت کرد آقای صدر کتابش را در همان اواخر دهه ۶۰ میلادی نوشت و سبب شد یک جنس بانکداری اسلامی در کل جهان اسلام به وجود بیاید و امروز ما حدود سیصد بانک اسلامی در جهان داریم که چرخش مالی و اقتصادی آنها چهارصد میلیارد دلار است. استقبال عظیمی هم از اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی از طرف بانک‌های بزرگ جهان به عمل آمده است.

### کتابخانه: از خاطرات تحصیل و

تدریس قبل از انقلاب خود در ایران بفرمایید.

آیت‌الله تسخیری: یکی از خاطرات خوبم، تحصیل نزد مرحوم آیت‌الله مطهری بود که برایم مرحله شیرینی بود؛ فلسفه می‌خواندم و جلسه جالبی بود. جلسات ما داخل خانه‌ها بود. آقای محقق، مرحوم سیداحمد آقا، آقای شرعی، آقای طاهری خرم‌آبادی و آقای خالقی هم می‌آمدند و جلسه ویژه‌ای بود.

بعد ایشان یک سری درس‌هایی در مساجد شروع کردند، از جمله فلسفه تاریخ یکی از خاطرات دیگر، تدریس برای طلاب خارجی بود ما در تربیت آنها پیش از انقلاب به ایران می‌آمدند خیلی نقش داشتیم. باز یادم می‌آید که چهار نفر طلبه هم از تایلند آمدند، اصلاً زبان فارسی بلد نبودند و حتی زبان واسطه هم نمی‌دانستند. آنها مراحل یادگیری را پیش ما طی کردند و وقتی به کشورشان برگشتند، مبلغ اسلام و انقلاب اسلامی شدند. ما بعداً فهمیدیم که در تایلند ۲۰ تا ۳۰ هزار شیعه اثنی عشری هستند و اینها از فرزندان و پیروان مرحوم شیخ احمد قمی هستند که به تایلند رفته بود و آنجا داماد شاه و نخست‌وزیر تایلند شده بود، شیخ احمد قمی آنجا شروع به تبلیغ تشیع کرده بود و آنها به وسیله او، شیعه اثنی عشری شده بودند، اما بعداً هیچ کس سراغشان نرفته بود، مبلغی هم نداشتند. بارفتن این طلبه‌ها به آنجا، رابطه



بین حوزه علمیه قم و شیعیان مقیم آنجا برقرار شد و بعداً ما به آنجا رفتیم و ارتباطمان بعد از انقلاب زیادتر شد. پس از آن، حضور ما قوی و مورد احترام مردم تایلند واقع شد. البته قبل از انقلاب، در مدرسه‌ای که وابسته به آیت‌الله العظمی گلپایگانی بود نیز به طلبه‌های خارجی درس می‌دادند، ما هم می‌رفتیم، درس می‌دادیم در مؤسسه در راه حق هم آقایان مصباح‌یزدی و خرازی درس‌هایی برای انشاء و متون عربی ارائه می‌دادند. خیلی از فضلاء روز نیز همکاری داشتند، به جای این که فقه درس بدهیم نظام عبادات را درس می‌دادیم فلسفه عبادات را می‌گفتیم که تعبد را در وجود انسان به وجود می‌آورد؛ خود آقای صدر هم نوشته‌هایی در این زمینه داشتند.

### کتابخانه: از اولین سفر خارجی تان در

قبل از انقلاب، چه خاطراتی دارید؟

آیت‌الله تسخیری: قبل از انقلاب از من دعوت کردند تا در اجلاس دانشگاه‌های اسلامی مراکش شرکت کنم و می‌خواستند یک نفر هم از حوزه علمیه قم در این اجلاس حضور داشته باشد. من اولین اجلاس را رفتم، یادم هم هست تقریباً ۵ سال قبل از انقلاب بود. حضور یک طلبه شیعه آن‌هم آشنا به زبان عربی برای آنها خیلی جالب بود. قبل از انقلاب فقط همین اجلاس را رفته بودم ولی بعد از انقلاب حداقل در پانصد اجلاس بین‌المللی شرکت کرده‌ام.

### کتابخانه: چگونه شد که شما برای

حضور در اجلاس‌های بین‌المللی انتخاب

شدید؟

آیت‌الله تسخیری: فکر می‌کنم یکی از عوامل تسلط من به زبان عربی بود از عوامل دیگر، تشابه اندیشه‌ام به فکر آقای صدر بود که گرایش به سمت تبلیغ اسلام و انقلاب داشتم. یادم هست یک روز شهید مفتاح می‌گفت، فلانی اگر بخواهید انقلاب پویا و مستمر باشد باید بروید به سمت قلب دشمن و انقلاب را آنجا تبلیغ کنید. می‌فرمودند: بیاید در این زمینه اقدام کنید.

در این مرحله، ما به اجلاس‌های بین‌المللی دعوت شدیم. در الجزایر هم کنفرانس اندیشه اسلامی برپا شده بود که متفکرین بزرگ جهان اسلام، کسانی مثل مرحوم شهید محمد ابوزهره و شیخ غزالی دعوت شده بودند. من با حاج آقا معزی که حالا نماینده آقا (مقام معظم رهبری) در لندن است اولین بار به آنجا رفتم و حضور مان تأثیر خیلی خوبی هم داشت. سال بعد هم دعوت کردند ولی وقتی دیدند خیلی از جوان‌ها جذب ما می‌شوند ترسیدند و دیگر هم دعوت نکردند. در یکی از کنفرانس‌ها هم با یکی از روشنفکران عرب و ضداسلام که خودش را متفکر اسلامی جازده بود، رو به رو شدیم. او ارتباطات زیادی با کلیسای فرانسه داشت. با او بحث و گفت‌وگو کردیم و سرانجام با منطق ساکتش کردیم. با محمد رشاد خلیفه هم که احتمال می‌دهم مسأله اعجاز ادبی قرآن را او مطرح کرده باشد، آشنا شدم. آدمی است که با بهائیت و فراماسون‌ها مرتبط بود. او ضدانقلاب و مدعی علم قیامت بود و با او هم درگیری فکری پیدا کردم.

### کتابخانه: آیا تاکنون محاسبه کرده‌اید

که در چند اجلاس و سمینار و کنفرانس شرکت کرده‌اید؟

آیت‌الله تسخیری: من در حدود ۱۵۰۰ اجلاس جهانی فکری، اقتصادی و سیاسی و کنفرانس اسلامی، حضور قوی داشته‌ام. گاهی عیناً ۷ ساعت درگیر کار بودیم مثلاً با هیأت عراقی و با همین طارق عزیز به اجلاس‌های زیادی سفر می‌کردم. علی‌الخصوص به کشورهای که با ما رابطه نداشتند به جای وزیر خارجه می‌رفتم مثلاً به اردن، قاهره و حتی ریاض، وقتی که رابطه‌ای با عربستان سعودی نداشتیم، بعد از فاجعه مکه در اجلاس ریاض حضور یافتیم در حالی که کشورهای دیگر هم ضد بودند، حتی سیاسیون به ما می‌گفتند نروید، ولی ما رفتیم، آنجا مسایل جهان اسلام، بویژه موضع کفرآمیز سلمان رشدی را در اجلاس تشریح کردم. این سخنرانی آن‌چنان تأثیرگذار بود که همه چشم‌ها به گریه افتاد و اشک در چشم‌ها حلقه زد. سخنرانی‌ام به زبان عربی بود و استدلال‌های خوبی از متفکران خودشان و فتوای‌های اهل سنت در رابطه با آنها بود که به پیامبر (ص) اهانت می‌کنند مطرح کردم. یادم



هست که بالاخره شرکت کنندگان در این اجلاس به رغم همه مخالفت ها، سازمان کنفرانس اسلامی اعلام کرد ما در کنار فتوای امام خمینی هستیم و سلمان رشدی مرتد را محکوم کرد و تقریباً کل آن فتوا پیروزی عظیم ایران بود. یکی از الطاف الهی نقش ما در اجلاس های اقتصادی، فکری سیاسی بود که سهم بودند در مجامع بزرگ جهانی. یکی از این مجامع بزرگ، مجمع فقه اسلامی است که در جده تأسیس شد و کل کشورهای اسلامی در این مجمع شرکت می کنند. در یک فضای آزاد، برای اولین بار آنها با فقه اهل بیت (ع) مواجه می شوند و باز برای نخستین بار بود که بحث های اصولی حوزه را می شنیدند. ما در آنجا مؤسس بودیم و مسایل روز را مطرح می کردیم. این جلسات گاهی یک هفته طول می کشید و گاهی هم، اساتید و فضایی حوزه با من همراه بودند. در یک کنفرانس، آیت الله مؤمن، آیت الله روحانی و آیت الله احمدی میانجی و برخی دیگر از فضایی حوزه همراه ما بودند. رابطه مان با علمای جهان اسلام رابطه جالبی است. من امروزه به مراکز علمای جهان اسلام دعوت می شوم و عضو مرکزیت ها هستم. یکی از مراکز بزرگ، مرکز اهل سنت اردن است. و دیگری مرکز «جمعیة الدعوة» با عضویت ۸۰۰ عالم جهان اسلام که در لیبی است. یکی دیگر از مراکز، اتحادیه جهانی علمای مسلمین است که من نایب رئیس آن هستم و محل آن در قطر است. ما با مراکز در مالزی و دیگر کشورهای گوناگون جهان اسلام، ارتباطات وسیع علمی و نظری داریم. روی هم رفته یک مسیر مبارک از آن زمان شروع شد و امروز هم به طور کامل ادامه دارد. تا به اینجا رسیدیم که به طور معمول ۵۰ اجلاس بین المللی در سال داریم.

**کنفیکان:** اگر ما اسلام را به زبان خاص گروه های مختلف بیان کنیم و برای کارمان طرح خاصی داشته باشیم قطعاً موفق تر خواهیم بود. مثلاً اگر ما برای دانشجویان و دانشگاهیان مطالبمان را تیوریزه کنیم دانشگاهیان بهتر می پذیرند.

**آیت الله تسخیری:** بله، مطالب باید به روز شود آقای صدر کتاب هایش ارزش عظیم دارد، برای این که آنها را به زبان روز درآورده و مشکلات جوانان را مطرح و با منطق اسلام پاسخ داده است. مثلاً اگر ما یک تئوری اسلامی در رابطه با حقوق، روابط اجتماعی، حقوق زنان و مشکلات جوانان داشته باشیم، قطعاً موفق خواهیم بود. من یادم هست اسقف اعظم اتریش آمده بود خدمت آقا، من هم بودم و آقا سؤال کردند که مشغول چه کاری هستید؟ گفت: من مشغول نگارش طرحی برای پاسخ به جوانان و نیازهای آنها هستم. وقتی مقام معظم رهبری در رابطه با این موضوع پرباش صحبت هایی کردند این اسقف مبهوت آقا بود و تا

## □ به نظر م یکی از علمی که باید رویش بیشتر مطالعه بشود «علم مقاصد» یعنی اهداف شریعت است. آنها را باید کشف کنند، هم اهداف عام و هم اهداف خاص، مثلاً این که اهداف اقتصادی اسلام چیست؟ اهداف حقوقی اسلام کدام است؟ اهداف عبادات چیست؟

مدت ها هر جا که ما را می دید می گفت، من هنوز مبهوت صحبت های رهبر شما هستم.  
**کنفیکان:** طرح تئوری ها و بیان روز آمد مسایل باید از درون حوزه ها بجوشد و بیرون بیاید و برای این کار حوزه ها هم نیازمند تحول و تغییرند. حضرت عالی در این زمینه چه رهنمودی دارید؟

**آیت الله تسخیری:** من بهترین نسخه را نسخه ای که آقا برای حوزه پیچیده می دانم من دیدم ایشان ابعاد گوناگون تحول در حوزه ها را بیان کرده اند و یک گروهی از فضلا هم در صدد برآمده اند با تشکیلاتی این نسخه آقا را عملی و طراحی کنند. نشریه ای هم به نام نشریه تحول منتشر می شود که این نشریه طرح های آقا را در رابطه با حوزه های علمی به زیبایی تحلیل می کند. من معتقدم که آقا دقیقاً مشکلات حوزه، نقص ها و چشم اندازها و بالندگی حوزه را کاملاً در این طرح نشان داده اند. به نظر م باید بزرگان حوزه به فکر این تحول باشند و گرنه عقب می مانند.

**کنفیکان:** اعتقاد ما این است که با وسایل ارتباطی و امکاناتی که هست طلبه های جوان این کار را خواهند کرد.

**آیت الله تسخیری:** بزرگان ما باید برنامه ریزی کنند تا طلبه های جوان به بی راهه نروند. بزرگان ما باید به سؤالات طلبه های جوان توجه خاصی داشته باشند تا طلبه ای که تازه وارد صحنه شده بیراهه نرود و گمراه نشود.

**کنفیکان:** بعضی ها با قیاسی غلط و از سراسر سادگی سرمایه داری فعلی غرب را عین رابطه اقتصادی صدر اسلام تفسیر می کنند، نظر حضرت عالی در این مورد چیست؟

**آیت الله تسخیری:** خود آقای صدر می گفت: اینطور قیاس ها خیلی خطرناک است که برخی از علما، تولید سرمایه داری را تأیید می کنند، آن هم به استاد کارهای ساده ای که زمان پیامبر می شد. یک شرکت بزرگ یا یک سرمایه دار بزرگ، هزاران کارگر دارد و آنها برای او در معدن کار می کنند. محصول هم مال آن آقا است که اجرت کمی به کارگران می دهد بعد این که آقا می شود سرمایه دار و میلیارد و این بیچاره ها همان مزد کم را می گیرند و استعمار می شوند.

می خواهم بگویم این استدلال، قیاسی مع الفارق است، شرایط را باید در نظر گرفت و همه ابعاد مسأله را تا بشود حکمی داد.

به نظر م یکی از علمی که باید رویش بیشتر مطالعه شود «علم مقاصد» یعنی اهداف شریعت است. آنها را باید کشف کنند، هم اهداف عام و هم اهداف خاص، مثلاً این که اهداف اقتصادی اسلام چیست؟ اهداف حقوقی اسلام کدام است؟ اهداف عبادات چیست؟ فقیه باید اینها را کاملاً بدانند حتی در استنباط یک مسأله کوتاه که می خواهد استنباط کند باید آن اهداف را در نظر بگیرد.

برخی از فقها، مثل مرحوم صدوق، مسأله علل شرایع را مطرح کرده اند:  
**کنفیکان:** آن علل شرایع از احکام نیست، از حدیث است.

**آیت الله تسخیری:** چرا به چه هدف؟ برای چه؟  
**کنفیکان:** این که شما می فرمایید یعنی مجموعه اهداف یک موضوع را ببینیم و یکی یکی را بسنجیم و هدف کلی را خودشان بگذارند.

**آیت الله تسخیری:** مسأله علل شرایع، هدف این است که واقعا یک فقیه باید آشنا باشد به آن علل اصلی.

**کنفیکان:** امام (ره) در سخنان آخرشان یک پیامی دارند به جامعه مدرسین و آنجا حرف هایی امام می فرمایند که خیلی عجیب است. اولاً فقها را تقسیم می کند به فقهای اصطلاحی و فقهات تام. فقهات تام می گوید که فقیه باید تئوری های سیاسی رایج جهان را بداند. حتی سیاستمداران را بشناسد، یعنی اگر روانشناسی سیاست مداران را نداند سرش کلاه رفته، باید بینش اقتصادی داشته باشد. این بینش یعنی مسیر و هدف.

نظام اقتصادی را بداند تا بتواند یک گوشه ای از کار را بگیرد. امروز دست دولت به طرف مراجع برای اخذ راهکارهایی برای طرح تحول اقتصادی دراز است. اما متأسفانه

صدایی از حوزه‌های علمی شنویم و این مطلوب نیست. بگذریم، از شما درخواست می‌کنیم بفرمایید تألیفات خود را از چه زمانی شروع کردید و اولین تألیفی که داشتید چه بود؟

آیت‌الله تسخیری: ابتدا مقاله می‌نوشتم، حالا چه در نجف، چه اینجا و چه در قم. ولی اولین کتابی که شروع به تألیف کردم پیرامون «ویژگی‌های اسلام در آینده» بود.

بعد از آن تألیف تفسیری از قرآن مجید را با همکاری جناب آقای نعمانی شروع کردیم، سی سال طول کشید تا کامل شد.

بعد از آن کتابی در رابطه با اقتصاد اسلامی تدوین کردم که بر اساس افکار آقای صدر تحلیل شده است. در رابطه با قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز کتابی نوشتم. کتاب‌هایی به عنوان گزارش سفرهای گوناگون به اطراف جهان و همچنین یک مجموعه

۶ جلدی از فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در مجمع فقه اسلامی جده به نگارش در آوردم.

از این قبیل کتاب‌ها، حدوداً هیجده جلد کتاب دارم که با اشتراک دیگران یا با اشراف اینجانب تألیف شده است.

**کتابخانه:** مجموع تألیفات شما به چه تعداد می‌رسد؟

آیت‌الله تسخیری: حدود ۴۰ جلد اثر تألیفی دارم که فعلاً بیست جلد آن چاپ شده، البته با همکاری محققین مختلف. از جمله کتابهایی که تحت نظارت من، منتشر شده،

کتاب قواعد اصولی و فقهی نزد شیعه است که به این شکل کتابی تاکنون تألیف نشده و قرار است مقدمه‌ای برای نوشتن دائرةالمعارف فقهی اصولی بین مذاهب بشود و مجمع فقه الاسلامی جهانی در جده آن را منتشر کند.

**کتابخانه:** در خصوص کتاب‌های ترجمه شده خودتان نیز اگر ممکن است توضیحاتی بفرمایید.

آیت‌الله تسخیری: در مورد ترجمه پانزده اثر دارم که اکثر آنها از مرحوم شهید مطهری، آقای مصباح یزدی، یا دیگران است که از فارسی به عربی ترجمه کرده‌ام.

البته موضوعات زیاد دیگری هم در مسایل گوناگون حقوقی و سیاسی تألیف و ترجمه کرده‌ام که به شکل جزوه است، نه کتاب.

**کتابخانه:** لطفاً آماری هم از حجم مقالاتی که تا به حال تدوین کرده‌اید، ارائه بفرمایید؟

آیت‌الله تسخیری: حدوداً چهار صد و پنجاه مقاله در مقاطع گوناگون برای کنفرانس‌های جهانی تهیه

موضوعات حقوقی که شامل بررسی مقایسه‌ای بین لایحه جهانی حقوق بشر و لایحه اسلامی که اتفاقاً در زمان ریاست بنده در یک اجلاس بین‌المللی در تهران این لایحه تصویب شد.

**کتابخانه:** پیرامون حضور خود در سطح بین‌المللی و همچنین تلاش در مسیر تقرب مذاهب اسلامی، توضیح بفرمایید.

آیت‌الله تسخیری: عرض کنم که بحمدالله در ایجاد پیش از ده بنیاد جهانی تبلیغی و فرهنگی با گرایش بین‌المللی، چه در ایران و چه در خارج از کشور سهم بوده و عضویت دارم. مرکز اتحادیه علمای مسلمین، مرکز بین‌المللی اهل بیت (ع) در قطر و اردن جمعیت الدعوة جهانی اسلامی در لیبی، گردهم‌آیی علمای مسلمان با مرکزیت مکه مکرمه مجمع فقه اسلامی در جده و دیگر موسسات فرهنگی که شرح کامل آن به طول می‌انجامد.

**کتابخانه:** فعالیت‌های این مجامع حول چه موضوعاتی دور می‌زند؟

آیت‌الله تسخیری: تبلیغ اسلام و دفاع از تعلیمات عالی آن، دفاع از مکتب اهل بیت، اشاعه روح گفت‌وگو بین مذاهب اسلامی و ادیان توحیدی بلکه بین همه ادیان و بین تمدن‌ها و دفاع از بیداری اسلامی.

این سه خط بزرگ کل فعالیت‌های جهانی ما بوده است.

البته مسوولیت‌های زیادی در مدت فعالیت‌های فرهنگی و دینی خود داشته‌ام.

**کتابخانه:** با توجه به شرایط جهانی و بیداری اسلامی بحث تقرب

مذاهب جایگاه خاصی برای خود باز می‌کند، امروز نیاز سایر مذاهب و ادیان به آشنایی و الهام‌گیری از دین اسلام و مکتب اهل بیت (ع) بیش از هر زمان احساس می‌شود. بفرمایید در این زمینه در چه شرایطی هستیم؟

آیت‌الله تسخیری: دفاع از جمهوری اسلامی دفاع از حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و تلاش در گسترش این تفکر، صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی همیشه یکی از بزرگترین اهتمامات من بوده است.

**کتابخانه:** تقرب مذاهب از لحاظ سیر مراحل آن چگونه شکل می‌گیرد؟

آیت‌الله تسخیری: اصولاً همه انسان‌ها به لحاظ فطرت این گونه خلق شده‌اند که زمینه‌های مشترک میان خود را بشناسند. در مرحله بعدی باید تلاش کنیم در عمل و اجراء همکاری مشترک داشته باشیم. البته طبیعی است که زمینه‌های اختلافی نیز بین مذاهب موجود است.

اما اگر این اختلاف نتیجه تفکر کفر و عناد نباشد

**آیادام هستی‌کروز شهید مفتاح می‌گفت: اگر بخواهید انقلاب پویا و مستمر باشد باید بروید به سمت قلب مخاطب و انقلاب را آنجا تبلیغ کنید. می‌فرمودند: در این زمینه اقدام کنید.**



شده و اکثر مجله‌های فارسی و زبان‌های دیگر در اطراف و اکناف جهان منتشر شده است.

**کتابخانه:** در نگارش این کتاب‌ها و مقالات به عوامل موثری چون تجربه، انگیزه، ضرورت، الهام‌گیری، شرایط جامعه و جهان برمی‌خوریم شما کدامیک از این مقوله‌ها را مؤثرتر می‌بینید و چگونه؟

آیت‌الله تسخیری: واقعاً عوامل زیادی است که در مسأله تألیف دخالت می‌کند. یکی تخصص در امور فقهی، دیگر خدمت به فرهنگ عمومی جهان اسلام و به تفکر اهل بیت (ع). همچنین درخواست کنفرانس‌های جهانی که باید طبق تقاضای آنها مقاله بنویسیم. و شاید کثرت این مقاله‌ها در یک موضوع سبب شود که این مقالات به صورت کتاب درآید.

**کتابخانه:** اگر بخواهیم موضوعی به این نیازها و ضرورت‌ها بودند؟

آیت‌الله تسخیری: مسایلی نظیر گفت‌وگو با دیگر مذاهب و ادیان، موضوع بیداری اسلامی، موضوع تفسیر، تاریخ اسلامی، تاریخ مرجعیت و وضعیت شیعیان در جهان، مسایل متحدنه: - بخصوص در زمینه‌های اقتصادی و بانکی،

باید همدیگر را معذور بدانند. بر این اساس می‌توانیم گفت و گوی بین مذاهب را پایه‌ریزی کنیم یا گفت و گوی بین فرهنگ‌ها را سامان دهیم.

**کوشش‌ها:** جایگاه تقریب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آیت‌الله تسخیری: تقریب ایده‌ای مقدس و مورد استقبال علما و مجامع فرهنگی جهان اسلام است. طبیعی است که تقریب دشمن هم دارد ولی چون ریشه‌های قرآنی و حدیثی دارد، برای من یک راه مقدس است.

**کوشش‌ها:** استقبال علماء و دولت‌های

اسلامی چگونه است؟

آیت‌الله تسخیری: استقبال علماء در سراسر جهان، مجامع دینی و حتی دولت‌های اسلامی بسیار وسیع و ارزشمند است و ملاحظه کردید که در اجلاس سران کشورهای اسلامی، استراتژی تقریب تصویب شد. این یک ایده خوب و مثبت و به نفع امت اسلامی و جهان اسلام است.

ایده گفت و گوی بین ادیان می‌تواند در سطحی وسیع تر ملت‌ها را به سوی زمینه‌های مشترک انسانی هدایت کند مثل عدالت، حقوق بشر، صلح، احترام به خانواده و جایگاه آن در جامعه، رهبران ادیان می‌توانند با همکاری با یکدیگر جبهه‌ای واحد در مقابل الحاد و ظلم و تجاوز به حقوق بشر و صلح جهانی تشکیل دهند. اثرات مثبت تلاشها در این زمینه را در جاهای گوناگونی تجربه کردم.

**کوشش‌ها:** کارکرد تقریب مذاهب را

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آیت‌الله تسخیری: شما ملاحظه کنید خیلی‌ها هستند که می‌خواهند آتش فتنه را در جهان اسلام به وجود بیاورند و مسلمانان را به خود مشغول ساخته و نیرو و سرمایه‌های آنان را به نفع خود مصادره کنند. روشن است که بزرگترین توطئه علیه وحدت اسلام از سوی استکبار جهانی شکل می‌گیرد، به عنوان نمونه دیدیم که صداها چگونه پس از تجاوز ضهیونیست‌ها به لبنان در سال ۲۰۰۶ و پیروزی حزب الله لبنان بر ارتش تا بن دندان مسلح اسرائیل به وجود آمد و ما با همین ایده‌های تقریب توانستیم اینها را سر جایشان بنشانیم. البته در لبنان فعالیت زیادی انجام دادیم تا آن الفت قبل از جنگ را برگردانیم.

در افغانستان، پاکستان و در سایر کشورها نیز فعالیت کردیم و من معتقدم که مسأله تقریب به نفع همه جهان اسلام به نفع همه مذاهب و مرضی خداوند متعال و مورد تاکید ائمه طاهریین (ع) قرار دارد.

**کوشش‌ها:** در خصوص گفت و گوی

ادیان و آثار آن بفرمایید.

آیت‌الله تسخیری: گفتگوی ادیان نیز جایگاه مهمی در صیانت از هویت انسانی بشریت دارد. کنفرانس قاهره با موضوع جمعیت و توسعه نمونه‌ای گویاست این کنفرانس در محتوی مواجه با تهاجم فرهنگ غربی به فرهنگ اسلامی و جهان سوم بود.

ما آنجا با همکاری که بین کشورهای اسلامی برقرار کردیم و سپس با واتیکان توانستیم توطئه غربی‌ها را علیه قدسیت خانواده و همچنین اشاعه اباحی‌گری و توسعه ناهنجاری‌های اخلاقی و جنسی را تا حدود زیادی بگیریم و واقعا یک پیروزی عظیمی برای جمهوری اسلامی و کشورهای اسلامی و کل متدینین در جهان به حساب آمد. من معتقدم ما می‌توانیم با این گرایش به کل بشریت خدمات شایان توجهی انجام دهیم.

**کوشش‌ها:** با توجه به مرجعیت علمی

اهل بیت (ع) که در طول تاریخ و امروز هیچ ردی بر آن وارد نشده است، چگونه می‌توانیم در مسیر تقریب گام برداریم؟

آیت‌الله تسخیری: این ایده جالبی است و مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و خیلی از علماء دنبال این ایده بودند که به جای منازعه در موضوع رهبری سیاسی ائمه (ع) بر مرجعیت علمی اهل بیت (ع) تمرکز داشته باشیم. چرا که اثرات بالفعل دارد. مرجعیت سیاسی، امروز در اولویت نیست اما مرجعیت علمی اهل بیت (ع) در همه اعصاب اثر دارد و امت اسلامی باید از معارف گرانبهای اهل بیت (ع) استفاده کنند و اتفاقا اثبات مرجعیت علمی اهل بیت (ع) برای همه افراد از هر مذهبی که باشند کار سختی نیست.

من یک کتابی نوشتم در رابطه با مسأله مرجعیت علمی. آنجا گفته‌ام که ما پدیده‌هایی می‌بینیم در زندگانی اهل بیت (ع) و احترام و تجلیل ویژه امت از آنها این پدیده‌ها را اگر کنار هم قرار دهیم لامحاله به مرجعیت علمی آنها ایمان می‌آوریم یعنی انطباق معیارهای حدیث ثقلین بر ائمه اهل بیت (ع).

به گواهی تاریخ ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت نسبت به اهل بیت (ع) آنقدر احترام داشتند که همگی متهم به تشیع شدند. امام ابوحنیفه و امام مالک شاگردان امام صادق بودند، امام شافعی شاگرد امام مالک بود و امام احمد حنبل شاگرد امام شافعی پس در حقیقت امام صادق استاد همه مذاهب بود و همه افتخار می‌کردند به شاگردی امام صادق (ع).

**کوشش‌ها:** عملکرد دستگاه‌های دینی

فرهنگی را در معرفی انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی چگونه ارزیابی می‌کنید.

آیت‌الله تسخیری: من معتقدم که ما هنوز ابعاد علمی و فرهنگی انقلاب را خوب تبیین نکرده‌ایم. متأسفانه هنوز افرادی در جهان حکومت‌های عربی بی‌خاصیت یا برخی از انقلاب‌های بی‌ارزش را با انقلاب اسلامی مقایسه می‌کنند با این که این انقلاب دارای ویژگی‌های عظیمی است که اگر به جهانیان خوب عرضه شود می‌تواند حرکت عظیم جهانی بی‌توده‌ها به وجود بیاورد. این انقلاب انقلابی با انگیزه‌های الهی است. این انقلاب حضور عظیم دین در تغییر تاریخی را مجسد می‌کند و این همه ثوری‌های مارکسیستی و لیبرالیستی را از بین می‌برد. این انقلاب توسط علمای بزرگ انجام گرفته و رأس آنها امام خمینی (ره). مرد عالم عارف پرهیزکاری است با بینش سیاسی الهی و با قلب بزرگ که برای کل جهان اسلام به تپش درمی‌آید ما مقام معظم رهبری را هم خوب معرفی نکردیم مردی به این جامعیت، عالم، ادیب، هنرمند، سیاسی با بینش نافذ و تحلیل دقیق این شخصیت باید برای جهانیان عرضه شود و مردم جهان باید از تفکراتش از رفتارش از زهدش مطلع شوند و همه این ویژگی‌ها فطرت هر انسان را جذب خواهد کرد و او علاقه‌مند به انقلاب می‌شود من معتقدم ما مقصربیم در حق انقلاب همچنان ما مقصربیم در حق معارف اهل بیت اهل بیت خودشان می‌فرمودند نمی‌خواهد زیاد ما را تبلیغ کنید شما معارف ما را به مردم بگویید خودشان به فطرت خودشان به سمت ما می‌آیند عاشق ما می‌شوند.

یعنی توضیح بدهید برای مردم آن حسنات کلام اهل بیت (ع) را اگر آن ابعاد زیبای کلام ما را شناختند. به طور طبیعی تابع ما می‌شوند ائمه اهل بیت سرمشق کامل جامعه هستند باید همه این سرمشق را ببینند و براساس آن تربیت شوند ما در این زمینه تقصیر داریم بالاتر از این می‌خواهم بگویم ما در زمینه معرفی اسلام عزیز مقصر هستیم در زمینه معرفی شخصیت والای پیامبر اکرم مقصر هستیم کسی که می‌فرماید من یک رحمت هدیه شده الهی به بشریت هستم ابعاد این رحمت را ما نتوانستیم به جهانیان بگوییم. این جسارت‌ها این کاریکاتورها، این تهمت‌ها به این انسان کامل زده می‌شود. من معتقدم همه ما، همه علما و همه مبلغین، این مسؤلیت را دارند که مبلغ حقایق اسلام، حقایق اهل بیت و حقایق انقلاب باشند چون که می‌توانند با این تبلیغ در هدایت کل مسیر بشریت سهیم باشند.

**کوشش‌ها:** از فرصتی که به ما دادید

صمیمانه تشکر می‌کنیم.

آیت‌الله تسخیری: من هم از شما متشکرم.